

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته، اشکالات مطرح شده نسبت به دلیل هفتم در شرطیت امام معصوم (ع) در نماز جمعه بررسی شد، این دلیل شامل روایت فضل بن شاذان[1] از امام رضا (ع) در علل الشرایع می‌شود، مرحوم خویی این روایت را ناظر به توصیف عرفی ماهیت نماز جمعه می‌داند، نه بیان شرط شرعی؛ در پاسخ به این اشکال، این مطلب تذکر داده شد که اولاً نماز جمعه حکمی تأسیسی و کاملاً شرعی است و پرسش راوی درباره تفاوت رکعات، این قرینه را می‌دهد که روایت در مقام بیان حکمت حکم شرعی است، نه گزارش یک امر عرفی؛ از این رو، حمل آن بر شرط عرفی با ظاهر روایت سازگار نیست. افزون بر این، هماهنگی یک شرط شرعی با ارتکاز عرفی موجب عرفی‌شدن آن نمی‌شود.

همچنین مرحوم حائری معتقد است که روایت فضل بن شاذان درباره نماز جمعه، در مقام بیان حکم شرعی است، اما اوصافی چون علم، فقاہت و فضیلت امام جمعه را تنها به عنوان «حکمت» حکم مطرح می‌کند نه «علت» آن. این روایت در نهایت دلالت می‌کند که اقامه نماز جمعه توسط امام معصوم صرفاً جنبه اولویت و ترجیح دارد و نه لزوم شرعی، و مطلوب در نماز جمعه متعدد است. با این حال، اینکه روایت شرطیت امام را مفروض گرفته و سائل از حکمت این شرط مفروض پرسیده است، این مطلب را می‌رساند که بیان حکمت به معنای سقوط شرطیت وجود امام معصوم در صحت نماز جمعه نیست

ادامه کلام مرحوم حائری

استدلال بر شرطیت امام معصوم در نماز جمعه بر اساس صدر روایت

مرحوم حائری تقریب استدلال به روایت را به صورت دیگری بیان می‌کند و سپس به آن پاسخ می‌دهد، تفاوت این بخش با استدلال قبلی، در این نکته است که در این استدلال حکمت مطرح نیست، وی در تقریب استدلال می‌فرماید: در صدر روایت آمده است که امام (ع) فرمود اگر کسی بپرسد چرا نماز جمعه با امام دو رکعت است و «إذا كانت بغیر إمام رکعتین رکعتین» این پرسش به وضوح شرطیت امام را اثبات می‌کند. با توجه به قرینه صدر روایت، ذیل آن که می‌گوید «فأراد أن يكون للأمر أو للإمام» نیز مراد امام معصوم (ع) خواهد بود. صدر روایت به صراحت می‌پذیرد که نماز جمعه زمانی دو رکعت است که با امام خوانده شود و در غیر این صورت نماز ظهر چهار رکعت است؛ بنابراین شرطیت امام در این روایت مسلم است.

البته ایشان عبارتی در ادامه بیان می‌کند که به نظر می‌رسد سهو قلم شده باشد، ایشان می‌فرماید: «و ظاهر في كون الإمام المذكور في الصدر هو الذي تعرض له في الذيل» [2] ظاهر این عبارت این است که ذیل روایت قرینه بر صدر روایت است، در حالی که باید گفت صدر روایت قرینه بر فهم امام معصوم از امام در ذیل روایت است، در هر صورت طبق این استدلال، مراد از امام در هر دو قسمت روایت، امام معصوم (ع) است. [3]

پاسخ اول: صدور روایت ناظر بر «قضیه حینی»

مرحوم حائری در پاسخ نخست توضیح می‌دهد که مقصود از «امام» در صدر روایت می‌تواند «امام جمعه» باشد؛ چنان‌که در

برخی از روایات نیز همین معنا اراده شده است. به نظر ایشان، امام جمعه در برخی زمان‌ها ممکن است امیر باشد و نقش او در ایراد خطبه‌ها و سقوط دو رکعت از نماز بر همین اساس شکل بگیرد؛ چنان‌که در پاره‌ای از زمان‌ها نیز فقیهی دانا می‌تواند عهده‌دار این مسئولیت شود. از این رو، آنچه در ذیل روایت آمده، می‌تواند ناظر به همین حکمت باشد؛ یعنی سپردن امامت و خطابه در عصر بسط ید به امام معصوم یا منصوب او، و در عصر غیبت به عالمان آگاه، هرچند چنین موقعیتی لزوماً به معنای شرطیت آنان در صحت نماز نیست. ایشان تأکید می‌کند که نماز جمعه‌ای که مردم از دو فرسخی برای آن گرد می‌آیند، به ناچار باید خطیبی داشته باشد که احکام و مواعظ را بداند، و گرنه مورد اعتراض قرار می‌گیرد. بنابراین، مضامین ذیل روایت می‌تواند حکمت آنچه در صدر آمده تلقی شود؛ یعنی این‌که نماز جمعه همراه با امام خطیب دو رکعت تشریع شده و در غیر این صورت به صورت دو رکعت نماز جمعه و دو رکعت نماز ظهر برپا می‌شود، بدون آن‌که از این بیان، اشتراط امام معصوم (ع) استفاده شود.

به تعبیر دیگر، بیان روایت ناظر به یک «قضیه حینیه» است؛ یعنی توضیح می‌دهد که اگر در برهه‌ای امام معصوم دارای بسط ید باشد یا در دوران غیبت فقیه جامع‌الشرایط منصب خطیب را بر عهده گیرد، چنین آثاری دارد، اما این بیان هرگز بر اشتراط امام معصوم دلالت نمی‌کند. در نتیجه، دلالت ذیل روایت منحصر در تبیین حکمت است، نه اثبات شرطیت. [4]

پاسخ دوم: عدم اطلاق روایت نسبت به زمان غیبت

در پاسخ دوم، مرحوم حائری توضیح می‌دهد که حتی اگر مقصود از «امام» در صدر روایت، امام معصوم (ع) یا شخص منصوب از سوی او باشد، باز هم روایت در مقام بیان «اشتراط» قرار ندارد؛ بلکه صرفاً فرضی را بیان می‌کند که در آن، امام معصوم نماز جمعه را برپا می‌کند و این وضعیت، آثاری خاص بر آن مترتب می‌سازد. بنابراین، روایت در پی اثبات این نیست که صحت یا وجوب نماز جمعه به حضور امام معصوم مشروط باشد؛ بلکه ناظر به حالتی است که امام بر نماز جمعه تقدم دارد و در چنین فرضی برخی حکمت‌ها تحقق پیدا می‌کند.

بر همین اساس، عبارت «فلا إطلاق له يشمل حال الغيبة» از مرحوم حائری به این نکته تصریح می‌کند که روایت هیچ اطلاقی برای عصر غیبت ایجاد نمی‌کند؛ زیرا هنگامی می‌توان برای روایت اطلاق قائل شد که دلالت روشنی بر اشتراط داشته باشد، و چنین دلالتی از متن فهمیده نمی‌شود. در نتیجه، اگر شرطیت در فرض حضور امام مفروض گرفته شود، این مفروض بودن شامل عصر غیبت نخواهد شد و این احتمال وجود دارد که اشتراط تنها در زمان بسط ید امام یا منصوب او تحقق یابد، بدون آن‌که لسان روایت بر تعمیم این شرط به دوران غیبت دلالت کند. [5]

ارزیابی دیدگاه مرحوم حائری

در ادامه به بررسی دیدگاه مرحوم حائری و پاسخ ایشان به استدلال به روایت می‌پردازیم. مرحوم حائری در بیان استدلال به روایت در اثبات شرطیت امام معصوم در صحت و وجوب نماز جمعه، ذیل روایت که مشتمل بر عباراتی مانند «فأراد أن يكون للأمير أو للإمام» است را ظاهر در امام معصوم می‌داند و این عبارات را قرینه بر این می‌داند که مراد از امام در صدر روایت نیز، امام معصوم (ع) است در حالی که بهتر این است که صدر روایت قرینه بر فهم مراد از امام در ذیل روایت باشد؛ زیرا صدر روایت مفروض می‌گیرد که نماز جمعه «مَعَ الْإِمَامِ» دو رکعت است و در این معنا قضیه حینیه موضوعیت ندارد و نمی‌توان گفت «فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ» چنین است. [6]

در ادامه مرحوم حائری در جواب دوم گفته‌اند که اگر پذیرفته شود مقصود صدر امام معصوم (ع) یا منصوب از سوی او باشد، باز این روایت دلالت بر «اشتراط» ندارد، بلکه «حالت مفروض» را بیان می‌کند؛ یعنی روایت صرفاً حالتی فعلی و عینی را فرض می‌کند و حکمت‌هایی را برای آن وضع یادآور می‌شود، نه اینکه صحت یا وجوب نماز جمعه را مقید به حضور امام معصوم بدانند. از این رو، این اطلاق که شامل حال غیبت بشود، ثابت نمی‌شود و نصّ روایت را نباید به گونه‌ای تعمیم داد که دوران غیبت را نیز دربر گیرد.

دیدگاه برگزیده

در پایان باید گفت که با توجه به مطالبی که در ارزیابی دیدگاه مرحوم حائری بیان کردیم، روشن می شود که صدر روایت به صورت صریح تمایز «مَعَ الْإِمَامِ» و «بِغَيْرِ إِمَامٍ» دارد، و این تمایز، خود قرینه قوی ای است بر اینکه منظور از امام در روایت، امام معصوم (ع) است، و با همین استظهار از روایت، شرطیت امام معصوم (ع) در وجوب و صحت نماز جمعه برداشت می شود.

همچنین «امام جمعه» یعنی شخصی است که در مقام امامت جمعه ویژگی های هدایتگری و تصدی امور عمومی را دارا باشد؛ پس برای استدلال به صدر دیگر نیازی به استناد به ذیل روایت نیست، هرچند تفکیکی که مرحوم حائری بیان کردند، از حیث کلیت مباحث اصولی، دقت مفیدی محسوب می شود

دلیل هشتم: موثقه سماعة

دلیل هشتم بر بحث، موثقه سماعة در ابواب صلاة الجمعة است؛ روایتی که صاحب وسائل آن را در چهار نقل گزارش کرده است. در نقل نخست، سماعة می گوید: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الصَّلَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ»؛ از امام صادق (ع) پرسیدم در روز جمعه چه نمازی باید خوانده شود؟ حضرت پاسخ فرمود: «أَمَّا مَعَ الْإِمَامِ فَرَكْعَتَانِ وَأَمَّا لِمَنْ صَلَّى وَحْدَهُ فَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ وَإِنْ صَلَّوْا جَمَاعَةً». تعبیر «لِمَنْ صَلَّى وَحْدَهُ» در این سیاق به معنای «غیر الإمام» است، نه نماز فرادا؛ زیرا امام (ع) بلافاصله می فرماید اگر بدون امام باشند، حتی در صورت جماعت، چهار رکعت می خوانند. این نقل در باب ششم، حدیث هشتم آمده است. [7]

در نقل دوم از همان باب (حدیث دوم)، امام (ع) می فرماید: «صَلَاةُ الْجُمُعَةِ مَعَ الْإِمَامِ رَكْعَتَانِ فَمَنْ صَلَّى وَحْدَهُ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ». [8] در این نسخه، جمله «وَإِنْ صَلَّوْا جَمَاعَةً» ذکر نشده است، ولی تقابل «مَعَ الْإِمَامِ» و «مَنْ صَلَّى وَحْدَهُ» همان معنا را افاده می کند.

در نقل سوم چنین آمده است: «إِنَّمَا صَلَاةُ الْجُمُعَةِ مَعَ الْإِمَامِ رَكْعَتَانِ، فَمَنْ صَلَّى مَعَ غَيْرِ إِمَامٍ وَحْدَهُ فَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بِمَنْزِلَةِ الظُّهْرِ» [9]. در این نقل، توضیح «بِمَنْزِلَةِ الظُّهْرِ» جایگزین تعبیر نقل نخست شده و حکم را به صورت روشن تر به نماز ظهر تشبیه کرده است.

در نقل چهارم نیز - که در حدیث پنجم همان باب آمده - سماعة می گوید: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الصَّلَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقَالَ (ع): أَمَّا مَعَ الْإِمَامِ فَرَكْعَتَانِ، أَمَّا مَعَ مَنْ يُصَلِّي وَحْدَهُ فَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بِمَنْزِلَةِ الظُّهْرِ». سپس راوی خود توضیح می دهد: «يَعْنِي إِذَا كَانَ إِمَامٌ يَخْطُبُ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ يَخْطُبُ فَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ وَإِنْ صَلَّوْا جَمَاعَةً». [10]

مجموع این چهار نقل - با وحدت راوی (سماعة)، وحدت مروی عنه (امام صادق (ع)) و یگانگی مضمون - ظن قوی بر این امر ایجاد می کند که اصل روایت واحد بوده و اختلاف موجود، ناشی از تفاوت در نقل و ضبط است؛ هرچند در برخی فرازا تفاوت های عبارتی دیده می شود.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

[1] فَإِنْ قَالَ فَلَمْ صَارَتْ صَلَاةُ الْجُمُعَةِ إِذَا كَانَتْ مَعَ الْإِمَامِ رَكْعَتَيْنِ وَإِذَا كَانَتْ بِغَيْرِ إِمَامٍ رَكْعَتَيْنِ وَ رَكْعَتَيْنِ قِيلَ لِإِلْعَالِ شَتَّى مِنْهَا أَنَّ النَّاسَ يَخْطُطُونَ إِلَى الْجُمُعَةِ مِنْ بَعْدِ فَأَحَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُخَفَّفَ عَنْهُمْ لِمَوْضِعِ التَّعَبِ الَّذِي صَارُوا إِلَيْهِ وَ مِنْهَا أَنَّ الْإِمَامَ يَحْسِبُهُمْ لِلْخُطْبَةِ وَ هُمْ مُنْتَظَرُونَ لِلصَّلَاةِ وَ مَنْ إِنْتَظَرَ الصَّلَاةَ فَهُوَ فِي صَلَاةٍ فِي حُكْمِ التَّمَامِ وَ مِنْهَا أَنَّ الصَّلَاةَ مَعَ الْإِمَامِ أَتَمُّ وَ أَكْمَلُ لِعِلْمِهِ وَ فَقِهِ وَ عَدْلِهِ وَ فَضْلِهِ وَ مِنْهَا أَنَّ الْجُمُعَةَ عِيدٌ وَ صَلَاةُ الْعِيدِ رَكْعَتَانِ وَ لَمْ تُقْصَرْ لِمَكَانِ الْخُطْبَتَيْنِ فَإِنْ قَالَ فَلَمْ جُعِلَتِ الْخُطْبَةُ قِيلَ لِأَنَّ

الْجُمُعَةَ مَشْهُدَ عَامٍّ فَأَرَادَ أَنْ يَكُونَ لِلْإِمَامِ سَبَبًا لِمَوْعِظَتِهِمْ وَ تَرْغِيبِهِمْ فِي الطَّاعَةِ وَ تَرْهِيْبِهِمْ عَنِ الْمَعْصِيَةِ وَ تَوْقِيفِهِمْ عَلَى مَا أَرَادَ مِنْ مَصْلَحَةٍ دِينِيَّةٍ وَ دُنْيَايَةٍ وَ يُخْبِرُهُمْ بِمَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنَ الْأَوْقَاتِ وَ مِنَ الْأَحْوَالِ الَّتِي لَهُمْ فِيهَا الْمَضَرَّةُ وَ الْمَنْفَعَةُ فَإِنْ قَالَ فَلَمْ جُعِلَتْ خُطْبَتَيْنِ قِيلَ لِأَنْ تَكُونَ وَاحِدَةً لِلثَّنَاءِ وَ التَّحْمِيدِ وَ التَّقْدِيسِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْأُخْرَى لِلْحَوَائِجِ وَ الْإِعْذَارِ وَ الْإِنْذَارِ وَ الدُّعَاءِ وَ مَا يُرِيدُ أَنْ يُعَلِّمَهُمْ مِنْ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ بِمَا فِيهِ الصَّلَاحُ وَ الْفَسَادُ. (عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج 2، ص 111).

[2] مرتضى حائري، صلاة الجمعة (حائري)، ص 103.

[3] « لكن يمكن تقريب الاستدلال ببيان سالم من الإيراد المذكور، و هو أن يقال: إن العمدة في الاستدلال قوله عليه السلام في الصدر: «فإن قال قائل: فلم صارت صلاة الجمعة إذا كانت مع الإمام ركعتين و إذا كانت بغير إمام ركعتين و ركعتين». إذ هو صريح في الاشتراط بالإمام، و ظاهر في كون الإمام المذكور في الصدر هو الذي تعرض له في الذيل. » همان.

[4] « و يمكن الجواب عن ذلك بوجهين: أحدهما: إمكان كون المقصود بالإمام في الصدر هو إمام الجمعة، كما تقدم في بعض أخبار صلاة الجمعة، و كون إمام الجمعة في بعض الأوقات هو الأمير و كونه خطيبا، من الحكم لسقوط الركعتين و تشريع الخطبتين، كما أن كونه في بعض الأوقات ففيها عالما كذلك، فيكفي لكونه حكمة في تشريع الخطبة كون الإمامة و الخطبة بيد الإمام في عصر بسط يده، أو المنصوب من قبله، و بيد العلماء العارفين في غير العصر المذكور و لو لم يشترط ذلك، لأن الجمعة التي لا بد من السعي إليها من فرسخين لا محالة بتصدى لخطبته من يعرف الأحكام و الموعدة و غير ذلك، و إلا لصار موردا للاعتراض، فما ذكره عليه السلام في الذيل، يصلح أن يكون حكمة لما فرض في الصدر، من كون الصلاة مع إمام الجمعة الذي يخطب، ركعتين، و مع غيره، ركعتين و ركعتين، فافهم و تأمل » (همان، 104).

[5] « ثانيهما: على فرض كون المقصود – بالصدر – من الإمام هو المعصوم عليه السلام أو المنصوب من قبله، فحيث إنه ليس بصدد بيان الاشتراط – بل هو مفروض – فلا إطلاق له يشمل حال الغيبة، فيمكن أن يكون الاشتراط في حال بسط اليد في المحل الذي يقيمه المعصوم عليه السلام أو المنصوب أو مطلقا، و لكن لا يشمل حال الغيبة كما هو واضح بحمدته تعالى. » (همان).

[6] توضيح بیشتر: راوی در صدر روایت می‌پرسد: « فَلَمَّ صَارَتْ صَلَاةُ الْجُمُعَةِ إِذَا كَانَتْ مَعَ الْإِمَامِ رَكَعَتَيْنِ وَ إِذَا كَانَتْ بِغَيْرِ إِمَامٍ رَكَعَتَيْنِ وَ رَكَعَتَيْنِ » روشن است که در ذهن راوی این فهم ارتکازی وجود داشته که نماز جمعه همراه با امام، دو رکعتی است، و در فرض نبود امام، باید چهار رکعت به جا آورده شود. اگر فرض کنیم مراد از «امام» در روایت، امام جماعت باشد، این پرسش معنا نخواهد داشت؛ زیرا اگر روز جمعه نماز ظهر – به عنوان بدل از جمعه – به جماعت اقامه شود، باز هم چهار رکعتی است و تفاوتی میان اقامه با امام جماعت و بدون امام جماعت وجود ندارد. بنابراین، معقول نیست که راوی بگوید نماز جمعه «با امام جماعت» دو رکعت است، اما «بدون امام جماعت» چهار رکعت می‌شود. از همین رو، تعبیری که راوی به کار برده، به روشنی نشان می‌دهد که مقصود او از «الإمام»، امام معصوم (ع) است؛ چراکه تنها در این صورت تفاوت میان «مَعَ الْإِمَامِ» و «بِغَيْرِ الْإِمَامِ» معنا پیدا می‌کند و پرسش راوی توجیه می‌شود.

[7] « وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّلَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ أَمَّا مَعَ الْإِمَامِ فَرَكْعَتَانِ وَ أَمَّا مَنْ صَلَّى وَحْدَهُ فَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ وَ إِنْ صَلَّوْا جَمَاعَةً. » (تفصيل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج 7، ص 313).

[8] « وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صَلَاةُ الْجُمُعَةِ مَعَ الْإِمَامِ رَكَعَتَانِ فَمَنْ صَلَّى وَحْدَهُ فَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ. » (همان، ج 7، 312، حدیث 2).

[9] « وَ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقُنُوتِ فِي الْجُمُعَةِ إِلَى أَنْ قَالَ: قَالَ: إِنَّمَا صَلَاةُ الْجُمُعَةِ مَعَ الْإِمَامِ رَكَعَتَانِ فَمَنْ صَلَّى مَعَ غَيْرِ إِمَامٍ وَحْدَهُ فَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بِمَنْزِلَةِ الظُّهْرِ الْحَدِيثِ. » (همان، ج 7، 313، حدیث 6).

[10] « مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامَ عَنِ الصَّلَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ أَمَّا مَعَ الْإِمَامِ فَرَكْعَتَانِ وَ أَمَّا مَنْ يُصَلِّي وَحْدَهُ فَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بِمَنْزِلَةِ الظُّهْرِ يَعْنِي إِذَا كَانَ إِمَامٌ يَخْطُبُ فَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْإِمَامُ يَخْطُبُ فَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ وَ إِنْ صَلَّوْا جَمَاعَةً. » (همان، ج 7، 310، حدیث 3).

منابع

ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، جهان، بی تا.

حائري، مرتضى، صلاة الجمعة (حائري)، قم - ايران، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، 1418.
حر عاملی، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم - ايران، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام)
لإحياء التراث، 1416.